

## خوانندگی

مراسمی برای پنجاه و دومین سالروز درگذشت یک نویسنده:

### چرا شاملو تقدیم شعرش به آل احمد را انکار کرد؟



به گزارش خبرنگار ایلنا، مراسم بزرگداشت جلال آل احمد به مناسبت پنجاه و دومین سالروز درگذشت این نویسنده، با حضور غلامرضا امامی، محمدحسین دانایی و سید احمد محیط طباطبایی به صورت آنلاین از طریق اینستاگرام خانه سیمین و جلال برگزار شد.

**چرا شاملو تقدیم شعرش به آل احمد را انکار کرد؟**

غلامرضا امامی هم در ادامه این مراسم، درباره شعرى که احمد شاملو درباره جلال آل احمد سروده بود و ده سال بعد انتساب آن را به جلال انکار کرد، گفت: عصبی را به یاد دارم پس از خاموشی جلال که آقای احمد شاملو شاعر نامی معاصر به این خانه آمد و در اتاق بزرگ خانه که معمولاً جلال و پس از او سیمین می نشست، این شعر بلند و زیباش یعنی «سرود برای مردی روشن که به سایه رفت» را خواند و هم او گریست و هم سیمین خانم و هم ما چند تنی که آنجا بودیم و این شعر در مطبوعات داخلی و خارجی از جمله در کتاب «هوای تازه» چاپ شده و هیچ انکاری از سراینده محترم شعر صورت نگرفت.

این نویسنده و مترجم ادامه داد: ده سال ۱۳۴۸ که درگذشت جلال بود سال ۱۳۵۸ که این سخنان بر زبان شاعر جاری شد، ده سال می گذشت، پس از سالها نمی دانم از چه رو و به چه سبب، شاعر معاصر منکر سرودن این شعر برای جلال شد، معلوم نیست مخاطب این شعر کیست؟ پس این شعر برای چه کسی سروده شده؟ چرا شاعر، در این ده سال سکوت کرده بود، می توانست بگوید شعرى برای جلال گفته ام و حالا آن را پس می گیرم، مثل شعرى که برای خسرو روزبه گفت و بعداً آن را پس گرفت؟ اما انکار حقیقت و انکار تاریخ کاریست نه به سزا.

امامی یادآور شد: توهین به پدر جلال کار سزماندی نیست، پدر و مادر هر کسی را خود او انتخاب نمی کند. اگر جلال در خاندانی روحانی بالید دلیل نمی شود که نسبت به تبارش توهین شود.

صورت مثل درآمد.

برگرفته از: ریشه های تاریخی امثال و حکم، مهدی آملی پرتوی. منبع: صفحه گروه واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

عکس روز:

برداشت خرما از نخلستان های روستای علوه شهرستان کارون

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

## اخترای که بسیار زود دل ایرانیان را ربود



به مناسبت روز ملی سینما:

سینما توگراف به فاصله اندک زمانی بعد از اختراع وارد ایران شد. درباریان، شگفت زده، در حوزه خصوصی، از این فن بدیع لذت می بردند و فیلم واسطی برای ضبط رسومات اشرافیان شد. به گزارش ایرنا، به زودی، سینما توگراف وارد حوزه عمومی شد و شوق فیلم دیدن فراگیر گشت؛ چه ایرانیان چیزهایی می دیدند که به جادو شبیه بود. طولی نکشید که جادو به مواد اولیه ای از ادبیات کهن دستبرد زد و ساخت فیلم هایی چون فردوسی (۱۳۱۲)، شیرین و فرهاد (۱۳۱۳) و لیلی و مجنون (۱۳۱۵) نوعی مکانیسم بازگشت برای مواجهه با این ابزار تکنولوژیک مدرن بود.

تعداد تماشاخانه ها و سالن ها روز به روز بیشتر می شد؛ زیرا فیلم ها واجد مضامینی بودند که از آرزوهای سخن می گفتند، وعده می دادند و از بدبختی ها حرف می زدند؛ بنابراین، فیلم ابزاری شد که جهان را برای مردم به تصویر تبدیل و آن را معنی می کرد.

بعد از عبور از دوران فترت سینمای ایران، از سال ۱۳۲۷، فیلم سازی دوباره جان گرفت. در دهه های سی، چهل و پنجاه خورشیدی، تماشاگران ایرانی از دیدن فیلم ها هیجان زده، متعجب، خشنود و حتی گاهی متعزز می شدند؛ زیرا فیلم های کمدی، جنایی، تاریخی و اعتراضی در کنار مولودرام های اخلاقی، تصویری سنت گرا از جامعه ای نشان می دادند که لایسی جعلی از مدرنیته به تن کرده بود. در این دوران، فیلم ها در تفسیر جهان، رقیبان دیگری نیز داشتند. کتاب های ادبی مثل شعر و رمان و متن های دینی و تاریخی در بین برخی دست به دست می شد و حداقل، از نظر روشنفکران غیرحرفه ای شهری، رقیبی برای فیلم ها بود.

اگر شعری از احمد شاملو، فروغ فرخزاد یا مهدی اخوان ثالث و دیگران چاپ می شد، برخی آن را با اشتیاق می خواندند و تیراژ کتاب های کسانی چون آیت الله مطهری به سی هزار عنوان می رسید؛ ضمن آنکه، موسیقی پاپ ایران در دهه ۱۳۵۰ از شعر مدرن ایران و سازندگان موسیقی از فرنگ برگشته بهره گرفت و برای خود جایگاهی فراهم کرده؛ بنابراین، انقلاب اسلامی در حالی به وقوع پیوست که فیلم، موسیقی و کتاب از ابزارهای مادی درک جهان برای برخی از مردم بودند.

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، هم زمان با تغییر گفتمان سیاسی، جریان فیلم سازی را مدتی تعطیل کرد و ابزارهای دیگر را که با آن همخوانی نداشت، به حاشیه راند؛ با این حال، سینما بعد از مدتی دوباره شروع به کار کرد.

سینمای جدید باید سینمایی منزه می بود که به تربیت مردم کمک می کرد. از این رو، ارزش های دینی همچون ساده زیستی، آرمان گرایی، عدالت طلبی و ایثار در فیلم های دهه ۱۳۶۰ نمایش



پس از خاموشی جلال که آقای احمد شاملو شاعر نامی معاصر به این خانه آمد و در اتاق بزرگ خانه که معمولاً جلال و پس از او سیمین می نشست، این شعر بلند و زیباش یعنی «سرود برای مردی روشن که به سایه رفت» را خواند و هم او گریست و هم سیمین خانم و هم ما چند تنی که آنجا بودیم و این شعر در مطبوعات داخلی و خارجی از جمله در کتاب «هوای تازه» چاپ شده و هیچ انکاری از سراینده محترم شعر صورت نگرفت.

این نویسنده و مترجم ادامه داد: ده سال ۱۳۴۸ که درگذشت جلال بود سال ۱۳۵۸ که این سخنان بر زبان شاعر جاری شد، ده سال می گذشت، پس از سالها نمی دانم از چه رو و به چه سبب، شاعر معاصر منکر سرودن این شعر برای جلال شد، معلوم نیست مخاطب این شعر کیست؟ پس این شعر برای چه کسی سروده شده؟ چرا شاعر، در این ده سال سکوت کرده بود، می توانست بگوید شعرى برای جلال گفته ام و حالا آن را پس می گیرم، مثل شعرى که برای خسرو روزبه گفت و بعداً آن را پس گرفت؟ اما انکار حقیقت و انکار تاریخ کاریست نه به سزا.

امامی یادآور شد: توهین به پدر جلال کار سزماندی نیست، پدر و مادر هر کسی را خود او انتخاب نمی کند. اگر جلال در خاندانی روحانی بالید دلیل نمی شود که نسبت به تبارش توهین شود.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

## پنه چیست و چگونه روی آب می افتد؟



خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - ریشه داستانی ضرب المثلها آنچه امروزه جواز و گذرنامه و پلیت نامیده می شود، در گذشته «پته» می گفتند که برای موارد گوناگون صادر می شد؛ از جمله برای اسب، شتر و مال التجاره صادراتی و وارداتی و حق راهداری.

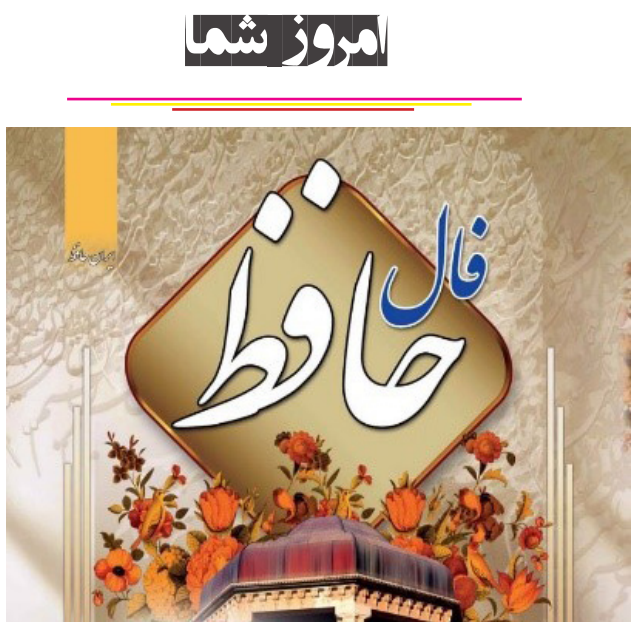
معنی دیگر آن بندگونه ای بود که در جوی های نشیب دار می بستند که هم آب را نگاه دارد و هم جوی شسته نشود و هر جا که لازم می شد آب را به قدر کفایت به داخل حوض و آب انبار خانه ها هدایت می کردند تا به مصارف خانگی برسد. در این میان، افرادی بودند که در سال های کم آبی و خشکسالی به حق دیگران تجاوز می کردند و خارج از نوبت، در نیمه های شب که مردم در خواب بودند، در داخل جوی پته می بستند و آب می بردند؛ اما گاهی فشار آب موجب می شد که پته از جای خود کنده شود و به جاهای دیگر برود، در این صورت ساکنان خانه های پایین تر پته را روی آب

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

## امروز شما



سعی کن تا جایی که می توانی از بحث های بیهوده و دردسر آفرین دوری کنی چون تو را در شرایط تشنج و آشفتگی قرار می دهد.

باید کاری انجام دهی که محبوبیت بیشتر شود. البته با کارهای کلیشه ای یا ظاهر سازی های ریاکارانه نمی توانی به این جایگاه برسی. باید رفتار، گفتار و اندیشه نیکی داشته باشی.

مطمئن باش که تلاش های تو به نتیجه خواهد رسید. شاید دیگران از راه های مشروع یا نامشروع دیگری بتوانند کسانی را بدست آورند اما تو با خود عهد کرده ای که زندگی سالمی داشته باشی.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

عشق است که به انسان بال پرواز می دهد. عشق تو را از این زندگی واقعی و روزمره جدا می کند و به فضای جدیدی می برد که پر از هیجان و امید است. بدون امید و عشق زندگی معطل می ماند. پس به زندگی عاطفی ات تکیه کن.

## شهروند عکاس

عکس های حرفه ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع

toloudaily@gmail.com ارسال

کنید تا در روزنامه درج گردد